

## تحلیل فقهی و حقوقی صحت شرکت وجوه از منظر فقه مذاهب اسلامی

مهدی جلیلی،<sup>۱</sup> علیرضا فصیحی زاده،<sup>۲</sup> سید محمدصادق طباطبایی<sup>۳</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۰)

### چکیده

فقه‌های مذاهب مختلف اسلامی، با توجه به ترکیب و نوع آورده‌ها، انواع شرکت را به چهار دسته عنان، اعمال، وجوه و مفاوضه تقسیم نموده‌اند. در مورد تعریف، آثار و احکام و حتی صحت یا عدم صحت این شرکتها اختلاف نظرات اساسی میان مذاهب مختلف اسلامی وجود دارد. با توجه به اختلاف دیدگاههای فقهی و حقوقی، سکوت قانون مدنی و رواج زیاد شرکت وجوه در جامعه، دامنه این اختلاف نظرات در مورد شرکت وجوه بیش از شرکت مفاوضه و اعمال است. مهم‌ترین دلایل موافقان صحت شرکت وجوه مواردی چون اجماع سکوتی، اصل صحت، توجه ویژه اسلام به کسب روزی و تعاون و شباهت ماهیت شرکت وجوه با برخی عقود مجاز شرعی مانند وکالت و قرض است. در مقابل، مخالفان صحت شرکت وجوه نیز به دلایلی چون عدم امکان اختلاط در وجهه و اعتبار، غرری بودن شرکت وجوه، اجماع و عدم وجود دلیل شرعی مبنی بر صحت این شرکت تمسک می‌جویند. در این مقاله با نگاهی به کتب فقهی فقهای امامیه، حنفی، حنبلی، مالکی و شافعی و با بهره‌مندی از روش تحلیلی، توصیفی بعد از تعریف شرکت وجوه، با تجزیه و تحلیل دلایل مخالفان و موافقان صحت شرکت وجوه، در نهایت با تأکید بر پاسخهای حلی و نقضی که به دلایل مخالفان و موافقان صحت شرکت وجوه داده می‌شود، این نتیجه

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان /

mahdijalili20@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) /

fasihizadeh@ase.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان / tabatabaei@ase.ui.ac.ir

حاصل می‌گردد که علی‌رغم نظر مخالفت برخی فقها، با عنایت به فقدان دلیل قطعی مبنی بر عدم صحت این شرکت، اصل حاکمیت اراده و نیاز جامعه به شرکت وجوه می‌بایست با توجه به سکوت قانون و با عنایت به اصل چهار و یکصد و شصت و هفت قانون اساسی، نظر فقهایی که این شرکت را شرکته صحیح تلقی می‌نمایند را پذیرفت.

**کلیدواژه‌ها:** شرکت، شرکت وجوه، شرکت مفاوضه، شرکت اعمال.

### طرح مسئله

در فقه اسلامی پیرامون تقسیم‌بندی انواع شرکت، بر اساس نوع و ترکیب آورده‌ها، رویه یکسانی وجود ندارد (عبده، ۱۳۹۶ق، ۴۸؛ فقی، ۱۴۰۶ق، ۲۸۲؛ ابن‌قدمه، ۱۴۱۷ق، ۱۰۹/۷) و اما نظر مشهور که در اکثر کتب فقهی به آن اشاره شده، حاکی از آن است که شرکت‌های عنان، اعمال، وجوه و مفاوضه، چهار نوع اصلی شرکت‌های فقهی محسوب می‌شوند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰ق، ۵۲۳/۲؛ ابن‌زهره، ۱۳۷۵ش، ۲۶۳/۱؛ شهید ثانی، ۱۴۳۴ق، ۳۴۹/۷). در کتب فقهی پیرامون تعریف، آثار و احکام شرکت‌های چهارگانه فوق، اختلاف دیدگاه‌های فراوانی وجود دارد که این اختلاف‌نظرات در شرکت‌های اعمال، وجوه و مفاوضه نمایانتر و در شرکت عنان کمتر است.

شرکت عنان که با نام شرکت اموال و شرکت اعیان نیز مشهور است (نجفی، ۱۹۸۱م، ۲۹۸/۲۶) شرکتی می‌باشد که بر اثر امتزاج یا با نفس عقد شرکت، بین دو یا چند نفر در اموال به وجود می‌آید، چه آن مال مشترک، وجه نقد باشد و چه کالا (خمینی، ۱۳۷۴ش، ۶۲۴/۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰ق، ۵۲۳/۲). در مورد صحت شرکت عنان در میان فقهای مختلف اسلامی، اختلاف نظر خاصی وجود ندارد و از دید همه فقهای اسلامی و حقوقدانان، شرکت عنان شرکته صحیح قلمداد می‌گردد و اختلافات اندکی که پیرامون این نوع شرکت وجود دارد، مربوط به صحت این شرکت نبوده و بلکه مربوط به آثار و احکام آن می‌باشد (رافعی قزوینی، ۱۴۲۶ق، ۱۹۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۵۸/۲۱؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰ش، ۳۲۷).

شرکت اعمال از دیدگاه فقهای اسلامی شرکتی است که بر اساس آن دو یا چند نفر با یکدیگر پیمان می‌بندند که در هر آنچه از شغل و حرفه خود به دست می‌آورند شریک باشند، چه کار آنها یکسان باشد، مانند دو وکیل و چه متفاوت، مانند یک نانوا و یک آهنگر (ایروانی، ۱۴۲۰ق، ۲/۱۶۴؛ شهید ثانی، ۱۴۳۴ق، ۳۴۸/۷). علی‌رغم پرکاربرد

بودن شرکت اعمال در روابط اقتصادی مردم، پیرامون صحت یا عدم صحت این نوع شرکت اختلاف نظرات زیادی بین فقها و حقوقدانان وجود دارد و اگرچه نظر مشهور در فقه اسلامی مبنی بر بطلان این نوع از شرکت است (بیهقی کیدری، ۱۳۷۴ ش، ۲۵۹؛ شهید ثانی، ۱۴۳۴ ق، ۳۴۸/۷)، اما فقها و حقوقدانانی که مقتضیات روز اقتصادی را مدنظر قرار داده و به درستی این نوع شرکت را شرکته صحیح می‌دانند نیز وجود دارند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، ۱۹۳/۱؛ گودرزی، ۱۳۹۴ ش، ۹۸؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰ ش، ۳۲۸).

شرکت مفاوضه که در دیدگاه اکثر فقهای اسلامی شرکته باطل می‌باشد، از زیرمجموعه‌های عقد مخالفت یا برادرخواندگی می‌باشد که بر اساس آن به جز در مورد خوراک روزانه و پوشاک، در مورد بقیه اموال، بین شرکا تضامن در مطالبات، داراییها و بدهیها وجود دارد، چه در مورد اموال موجود در زمان انعقاد عقد و چه نسبت به آنچه بعداً به وجود می‌آید (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱ ش، ۱۶۳/۳؛ مروارید، ۱۴۱۰ ق، ۵/۱۵؛ ابن‌قدامه، ۱۴۱۷ ق، ۱۳۷/۷).

شرکت وجوه که در این مقاله معنای مشهور آن مدنظر است و به شرکت مفاليس و شرکت ذمه‌ای نیز معروف می‌باشد (زحیلی، ۱۴۰۵ ق، ۸۰۱)، شرکته است که بر اساس آن دو یا چند نفر که دارای مال بالفعل نبوده تا در آن شریک شوند، اما در میان مردم، دارای وجهه و اعتبار هستند، با هم قرار می‌گذارند که با بهره‌مندی از اعتبار و وجهه خود، اجناسی را به صورت نسیه و مؤجل خریداری نموده و بعد از فروش آنها، در سود حاصله شریک باشند. علی‌رغم آنکه بسیاری از فقهای اسلامی و حقوقدانان شرکت وجوه را از جمله شرکتهای صحیح می‌دانند (ابن‌قدامه، ۱۴۱۷ ق، ۱۲۱/۷؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰ ش، ۳۲۸؛ گودرزی، ۱۳۹۴ ش، ۹۸)، اما این شرکت، در دیدگاه برخی از فقهای اسلامی و - حقوقدانان، شرکته باطل دانسته شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹ ش، ۸۸۲؛ رافعی قزوینی، ۱۴۲۶ ق، ۱۹۳). پیچیدگی و ابهامی که درباره شرکت وجوه در فقه اسلامی وجود دارد، در کنار سکوت قانون مدنی نسبت به صحت یا عدم صحت این شرکت و به تبع آن اختلاف نظر در دکترین حقوقی باعث شده نیازمند آن باشیم که با توجه به اصل ۴ و ۱۶۷ قانون اساسی، با نگاهی فراتر از قانون، این سکوت، اجمال و ابهام را کنار زده و با بررسی نظرات فقهای مذاهب مختلف اسلامی و دلایل آنها، بهترین نظر که با توجه به مقتضیات روز جامعه باشد را جهت تدوین موادی کامل در مورد شرکت وجوه به رشته تحریر

در آوریم، زیرا اگرچه بر کسی پوشیده نیست که قانون مدنی شاهکار قانون‌نویسی در کشور ما به حساب می‌آید، اما در برخی از قسمت‌ها از جمله موضوع مقاله حاضر نیاز به اصلاح آن احساس می‌شود؛ اصلاحی که از یک سو باید با توجه به مقتضیات اقتصادی روز جامعه باشد و از سوی دیگر در چهارچوب فقه اسلامی صورت پذیرد. به عبارت دیگر اگرچه اصل ۱۶۷ قانون اساسی در موارد سکوت، نقص، اجمال یا تعارض قوانین مدونه، به قاضی دادگاه اجازه مراجعه به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر را داده، اما تقریباً در همه موارد و به خصوص در مورد موضوع مقاله حاضر بین علما و فقهای اسلامی، اختلاف‌نظرهای اساسی وجود دارد؛ امری که به تبع فقه، به دکترین حقوقی نیز سرایت نموده و در صورتی که یکی از این نظرات، لباس قانون به خود نبوشد، باعث ایجاد اختلاف‌نظر بیشتر بین حقوقدانان و پیرو آن ایجاد رویه‌های مختلف در دادگاهها می‌شود، اختلاف‌نظراتی که با طرحی نو و با نگاهی به نظرات فقها و حقوقدانان و انتخاب نظری واحد و هماهنگ با مجموعه قانون، می‌تواند پایان یابد. در این مقاله با تأکید بر دیدگاه و نظرات فقهای مذاهب مختلف اسلامی، بعد از تعریف این شرکت و انواع آن به تجزیه و تحلیل نظریات و دلایل فقهای مذاهب مختلف اسلامی درباره صحت یا عدم صحت این شرکت می‌پردازیم و از آن جهت که مقاله صرفاً جنبه گزارشی نداشته و حالت علمی و تحقیقاتی یابد، در مورد دلایل مخالفین و موافقین صحت شرکت وجوه، مقارنه‌ای کامل انجام داده تا زمینه فهم بهتر این موضوع فراهم گردد که با توجه به سکوت قانونگذار و اصل ۴ و ۱۶۷ قانون اساسی، آیا امکان پذیرفتن نظریه‌ای مبنی بر صحت شرکت وجوه در حقوق کنونی ایران وجود دارد یا خیر؟

### تعریف شرکت وجوه

اگرچه نسبت به کلیات تعریف و مفهوم شرکت وجوه، نظر فقهای اسلامی به یکدیگر شبیه است، اما در میان فقهای اسلامی نسبت به جزئیات تعریف شرکت وجوه اتفاق نظر وجود ندارد، به طوری که تعاریف زیاد و گاه متفاوتی از این شرکت ارائه شده است. برخی از این تعاریف در میان فقها مرسومتر بوده، به طوری که می‌توان آن تعریف را نظر مشهور دانست، اما در مقابل برخی تعاریف در جزئیات، تفاوت‌های اساسی با نظر مشهور دارد. بر اساس نظر مشهور در میان فقها و حقوقدانان، شرکت وجوه شرکتی است که در ضمن عقد شرکت،

شرکا مالی به عنوان آورده خویش به میان نمی‌آورند تا شرکت بر مبنای مالهای آورده‌شده تشکیل شود، بلکه شرکا با یکدیگر توافق می‌نمایند که به عنوان آورده، اعتباری را که در بازار دارند بیاورند تا با آن اعتبار، معاملات نسبی‌ای و مدت‌دار نموده و آنچه به عنوان سود به دست می‌آید، بر اساس توافق انجام شده بین آنها تقسیم شود (رافعی قزوینی، ۱۴۲۶ق، ۱۹۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱ش، ۱۶۷/۳؛ بروجرودی عبده، ۱۳۸۰ش، ۳۲۸؛ آل‌نجف، ۱۴۳۲ق، ۱۴۵).

در مقابل نظر مشهور در تعریف شرکت وجوه که در این مقاله مدنظر می‌باشد، تعاریف غیرمشهور با تفاوت‌های جزئی با نظر مشهور وجود دارد، از جمله اینکه شرکت وجوه شرکتی دانسته شده است که بین یک فرد با اعتبار و یک فرد حامل (فرد فاقد اعتبار) منعقد می‌شود که بر اساس آن، شخص معتبر، با اعتبار خود کالایی را به صورت نسبه خریداری نماید و فروش آن مال توسط فرد حامل صورت گیرد و در نهایت فرد دارای اعتبار و فرد حامل در سود حاصله با یکدیگر شریک می‌گردند (غزالی، ۱۴۱۸ق، ۳۵۸/۱). تعریف دیگری که از جمله تعاریف غیرمشهور از شرکت وجوه می‌باشد، آن است که شرکت وجوه را قرارداد شرکتی معرفی می‌نماید که بین فرد با اعتباری که مالی ندارد و فرد حامل یا بی‌اعتباری که مال دارد، منعقد می‌گردد و بر اساس آن، فرد با اعتبار، مال فرد بدون اعتبار را می‌فروشد و در سود حاصله با یکدیگر شریک می‌گردند (نجفی، ۱۹۸۱م، ۲۹۸/۲۶).

اگرچه عده بسیاری از فقهای اسلامی، از میان شرکت‌های چهارگانه فقهی، تنها شرکت عنان را شرکتی صحیح می‌دانند (ابن‌زهره، ۱۳۷۵ش، ۲۶۳/۱؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۴ق، ۳۲/۵)، اما درباره سایر انواع شرکت‌های فقهی مانند شرکت اعمال و مفاوضه نیز دلایل مختلفی نسبت به علت بطلان یا صحت آنها ارائه شده است (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۱۹۳/۱؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ۶۳۲). در مورد شرکت وجوه که به خصوص در فعالیت‌های تجاری و اقتصادی مهم مانند بازار طلا و ارز کاربرد فراوانی دارد نیز از همین قاعده پیروی گردیده است (ابن‌قدمه، ۱۴۱۷ق، ۱۲۱/۷). جدا از اختلاف نظرات موجود، اکثر فقهای حنفی و حنبلی شرکت وجوه را شرکتی صحیح می‌دانند و در مقابل اکثر فقهای امامیه، مالکی و شافعی اعتقاد به بطلان این شرکت دارند (عتیقی، ۱۴۱۷ق، ۹۹). بدون شک تحلیل نظریات فقهای مذاهب مختلف اسلامی و حقوقدانان مخالف و موافق صحت شرکت

وجوه می‌تواند چراغ راهی باشد که با توجه به سکوت قانون مدنی، پاسخ این سؤال اساسی داده شود که آیا این امکان وجود دارد تا شرکت وجوه را در نظام حقوقی ایران پذیرا باشیم یا آنکه باید بر این اعتقاد بود که حتی اگر قرارداد شرکت وجوهی بین افرادی منعقد گردید، آن قرارداد باطل و فاقد اثر می‌باشد. در این مقاله به ترتیب به تجزیه و تحلیل دلایل مخالفان و موافقان صحت شرکت وجوه، با تأکید بر دیدگاههای فقهی مذاهب مختلف اسلامی می‌پردازیم تا با بررسی پاسخهای حلی و تقضی که به دلایل مخالفان و موافقان صحت شرکت وجوه داده می‌شود، بهتر بتوانیم درباره امکان اعلام صحت این نوع شرکت اظهار نظر نماییم.

### تحلیل و مقارنه نظر مخالفان صحت شرکت وجوه

در میان فقهیهای مذاهب مختلف اسلامی پیرامون علت بطلان شرکت وجوه، دیدگاههای فراوانی وجود دارد. برخی از فقهیهای متأخر به پیروی از فقهیهای متقدم، بدون آنکه خود را نیازمند ارائه دلیل بدانند، شرکت وجوه را باطل قلمداد می‌نمایند (نکونام، ۱۳۸۵ش، ۹۹/۲؛ ریمی، ۱۴۱۹ق، ۱۲). اما گاهی نیز برخی فقها در مذاهب مختلف اسلامی در صدد ارائه دلیل و برهان برای علت اعلام بطلان شرکت وجوه بوده‌اند (کامل، ۱۴۱۵ق، ۳۴۴؛ زحیلی، ۱۴۰۵ق، ۸۰۲) که در ذیل مهم‌ترین دلایل مخالفان صحت شرکت وجوه، ارزیابی و مقارنه می‌شود:

#### ۱. وجود اجماع در مورد بطلان شرکت وجوه

اگرچه برخی از فقها ادعای اجماع پیرامون بطلان شرکت وجوه را نپذیرفته‌اند و بطلان همه انواع شرکتیهای ذکر شده در فقه به جز شرکت عنان را تنها مطابق با نظر مشهور می‌دانند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۵۹/۲۱)، اما به هر حال برخی از فقها نسبت به بطلان شرکت وجوه، ادعای اجماع نموده‌اند و بر این مبنا اعتقاد بر عدم صحت شرکت وجوه دارند (نجفی، ۱۹۸۱م، ۲۶/۲۹۸).

علی‌رغم اختلاف‌نظراتی که بین فقهیهای مذاهب مختلف اسلامی پیرامون اجماع وجود دارد و بر اساس این تفاوت دیدگاهها می‌توان گفت اجماع معتبر نزد فقهیهای اهل سنت و فقهیهای امامیه لفظی است که علی‌رغم اشتراک لفظی دارای تباین معنوی است، به نظر می‌-

رسد ادعای اجماع پیرامون بطلان شرکت وجوه به دلایل زیادی نمی‌تواند درست باشد، زیرا از یک سو تعریف کلی اجماع، اتفاق نظر در حکمی از احکام شرعی می‌باشد که چنین اتفاق نظری درباره بطلان شرکت وجوه وجود ندارد، چراکه بسیاری از فقهای متقدم و متأخر مذاهب مختلف اسلامی به بطلان شرکت وجوه اعتقاد نداشته، بلکه به صحت آن نظر داشته‌اند. از سوی دیگر علی‌رغم آن که اکثر فقهای اهل سنت اجماع را دلیل مستقل و ذاتی و در عرض کتاب و سنت می‌دانند، اما از دیدگاه فقهای امامیه اجماع دارای حجت ذاتی نبوده و نسبت به بطلان شرکت وجوه وقتی قابلیت استناد و حجیت دارد که کاشف از قول معصوم علیه السلام باشد (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۲/۶۲۸؛ محمدی، ۱۳۵۱ش، ۴) و چنین کاشفیتی نه تنها در مورد بطلان شرکت وجوه وجود ندارد، بلکه حتی در مورد بطلان شرکت اعمال و مواضع نیز این کاشفیت اثبات نشده است، به طوری که می‌توان اعتقاد داشت اجماع مورد اشاره در دید فقیهانی که ادعای اجماع پیرامون بطلان شرکت وجوه نموده‌اند (نجفی، ۱۹۸۱م، ۲۶/۲۹۸)، اجماع محصل نیست که در آن با بررسی و تتبع در منابع مختلف اسلامی، اتفاق نظر همه فقها نسبت به بطلان شرکت وجوه حاصل شده باشد، بلکه اجماع اشاره شده اجماع اجتهادی است که حجیت ندارد، زیرا در این اجماع فقیه اتفاق نظر فقهای دیگر را در مسئله بطلان شرکت وجوه به واسطه وجود امارات و قرائنی که در ذهن خویش داشته، استنباط نموده و بر این اساس حدس خویش را ملاک و معیار قرار داده و درباره بطلان شرکت وجوه ادعای اجماع نموده است (جناتی، ۱۳۶۷ش، ۱۳). از سوی دیگر اگر اجماع قابل استناد و دارای حجیت در زمینه بطلان شرکت وجوه وجود داشت، چون اجماع در یک زمینه به تنهایی حجیت دارد، استناد به همان اجماع کفایت می‌نمود و نیاز به ارائه دلایل دیگر نبود، بنابراین ذکر دلایل مختلف دیگر مانند غرری بودن شرکت وجوه، در کنار ادعای اجماع، نشان می‌دهد این اجماع کاشف از قول معصوم علیه السلام نبوده و بطلان شرکت وجوه در دیدگاه این فقها مستند به دلایل دیگر است و از این رو می‌توان گفت که اجماع ادعا شده پیرامون بطلان شرکت وجوه حجیت ندارد تا بتوان به آن استناد نمود (گودرزی، ۱۳۹۴ش، ۱۰۶).

## ۲. عدم صراحت شرع در مورد جواز شرکت وجوه

این دسته از فقها بر این اعتقادند که احادیث و روایاتی چون «يَدُ اللَّهِ عَلَى الشَّرِيكِينَ مَا لَمْ يَتَخَاوُنَا: دست خداوند بالای سر دو شریک می‌باشد، تا زمانی که به هم خیانت نکنند»، دلالتی صریح بر صحت شرکت وجوه ندارد، از همین رو همانند شرکت اعمال و مفاوضه، از جمله دلایل مخالفت با صحت شرکت وجوه را استناد به برخی روایات می‌دانند. از دیگر این روایات، روایتی است که از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که فرمودند: «مَا كَانَ مِنْ شَرَطٍ لَيْسَ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى فَهُوَ بَاطِلٌ: هر شرطی که بر اساس کتاب خداوند نباشد باطل است.» این دسته از فقها با توجه به روایت فوق، این‌گونه استدلال می‌نمایند که در هیچ یک از آیات مذکور در قرآن کریم و احادیث نبوی، دلالتی صریح بر صحت شرکت وجوه وجود ندارد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۶۰/۲۱؛ حکیم، ۱۴۰۴ق، ۱۷/۱۳)، لذا چون اصل بر عدم شرکت وجوه است، تا زمانی که خلاف این اصل با صراحت آیات یا روایات اثبات نگردد، هم‌چنان این اصل جاری می‌باشد (نجفی، ۱۹۸۱م، ۲۹۷/۲۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۶۰/۲۱).

استدلال فوق قابل خدشه است، زیرا از یک سو در هیچ یک از روایات و احادیثی که این دسته از فقها به آن استناد می‌نمایند، دلالتی صریح بر عدم صحت شرکت وجوه ندارد و از سوی دیگر از آیات و روایات فراوانی از جمله آیه ۱ سوره مبارکه مائده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به عهد خود وفا کنید»، که از آن آیه، اصل حاکمیت اراده برداشت می‌گردد، این نتیجه حاصل می‌شود که در فقه اسلامی، به‌خصوص در دیدگاه فقهای متأخر و به تبع آن در میان حقوقدانان در اعمال حقوقی، توافق اراده‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بوده و اعمال حقوقی تابع اراده متعاقدين است. به عبارت دیگر چه مدلول التزامی و چه مدلول مطابقی آیه فوق دلالت بر صحت عقود و توافق اراده‌ها دارد، مگر آنکه در شرع یا در قانون به صراحت در زمینه‌ای توافق اراده‌ها و اصل حاکمیت اراده به رسمیت شناخته نشده باشد، مانند آنچه به تبع فقه در ماده ۶۵۵ قانون مدنی آمده و قمار و گرویندی را باطل دانسته است. شرکت وجوه نیز که از جمله اعمال حقوقی به حساب می‌آید، تابع اصل حاکمیت اراده بوده و نظر به اینکه در هیچ یک از آیات، روایات یا مواد قانونی، عدم صحت این نوع از شرکت به صراحت اشاره نشده و این نتیجه، منطقی است که شرکت وجوه را از جمله اعمال حقوقی صحیح قلمداد نموده تا



جامعه بتواند از این عقد و آثار آن در روابط اقتصادی خود بهره‌مند شود (سبحانی، ۱۳۸۸ش، ۸۱؛ بروجردی عبده، ۱۳۸۰ش، ۳۲۸).

### ۳. غرری بودن شرکت وجوه

همانند آنچه در مورد شرکت مفاوضه و اعمال آمده است (ابن‌قده، ۱۴۱۷ق، ۱۳۷/۷؛ مطیعی، بی‌تا، ۷۴)، از میان استدلالهایی که فقها درباره علت بطلان شرکت وجوه به آن تمسک جستند، وجود غرر مهم‌ترین دلیل است و بسیاری از فقها بر آن تأکید نموده‌اند، چراکه با عنایت به مفاد حدیث نفی غرر، پیامبر اکرم ﷺ معامله غرری را نهی فرموده‌اند و این نهی، ظهور در فساد معامله دارد (محقق داماد، ۱۳۸۹ش، ۴۱۲/۲). در شرکت وجوه نیز چون از یک سو اعمال و منافع هر یک از شرکا از شریک دیگر متمایز است و از سوی دیگر هر شریک به طور دقیق نمی‌داند که شریک دیگر قصد خرید چه کالایی را به چه قیمتی دارد، غرر وجود دارد (کامل، ۱۴۱۵ق، ۳۴۴؛ زحیلی، ۱۴۰۵ق، ۸۰۲).

تمسک این دسته از فقها به وجود غرر در شرکت وجوه در راستای اعلام عدم صحت این شرکت قابل‌خداست، زیرا اگرچه غرر در حدیث نبوی فوق منع شده است، اما غرر و مفهوم آن امری دقیق و پیچیده است که در هر عقدی می‌بایست با توجه به عموماً مفهوم غرر و شرایط خاص آن عقد بررسی شود تا اگر در عقد مورد نظر، غرر و شرایط آن به طور کامل موجود بود، آن عقد باطل اعلام گردد. در مورد غرر در شرکت وجوه می‌توان گفت از یک سو غرر موجود در این شرکت، مانند غرر موجود در شرکت اعمال قابل‌مسامحه است، چراکه در این نوع از شرکت جهل شرکا نسبت به خرید یکدیگر و قیمت مال خریداری‌شده، قابل‌رفع است و شرکا نسبت به این موضوع کاملاً جاهل نیستند تا بتوان شرکت منعقدشده را به دلیل غرری بودن باطل دانست، بلکه در این نوع شرکت هر یک از شرکا به طور اجمالی و گاهی هم به طور تفضیلی از میزان درآمد و آن-چه شریک دیگر قصد خرید آن را دارد و قیمت آن اطلاع داشته یا می‌توانند مطلع گردند، فلذا غرری وجود ندارد و یا اگر غرری هست، این غرر بسیار کم و قابل‌مسامحه می‌باشد. از سوی دیگر می‌توان این‌گونه استدلال نمود که در شرکت وجوه، اساساً غرری در میان نیست، زیرا بین شرکا توافق و تراضی صورت گرفته و نحوه و میزان تقسیم سود و ضرر برای هر دو شریک که با یکدیگر قرارداد شرکت وجوه منعقد نموده‌اند مشخص است،

بنابراین این امر نمی‌تواند مانع صحت شرکت وجوه باشد. به عبارت دیگر اگر به هنگام انعقاد عقد شرکت وجوه ندانیم که بعد از سودآوری به هر شریک چه درصدی از سود می‌رسد، در این حالت غرر وجود دارد، اما اگر میزان درصدی که از سود احتمالی به هر شریک می‌رسد مشخص باشد، نمی‌توانیم بر این موضوع اعتقاد داشته باشیم که چون در هنگام انعقاد عقد، میزان دقیق سود حاصله مشخص نیست غرر وجود دارد و این غرر باعث می‌گردد که شرکت وجوه را باطل بدانیم، چراکه در هیچ یک از شرکت‌های چهارگانه فقهی، به هنگام انعقاد قرارداد، میزان دقیق سوددهی یا ضرردهی مشخص نیست (خلیل، ۱۴۰۱ق، ۱۴۵).

#### ۴. عدم امکان حالت اختلاط و اشاعه در اعتبار

بر اساس استدلال این دسته از فقها، شرکت پذیرفته‌شده در فقه اسلامی، حالتی است که در آن اختلاط و اشاعه وجود داشته باشد و اختلاط و اشاعه تنها در اموال امکان وقوع دارد، فلذا چون شرکت وجوه در مورد اموال نیست و هر یک از شرکا، اعتبار و وجهه خود را به عنوان آورده به شرکت می‌آورند و به هنگام ایجاد شرکت مالی وجود ندارد، بنابراین اختلاط و اشاعه که ماهیت اصلی هر شرکتی است در آن قابلیت ایجاد نداشته و از همین رو امکان انعقاد شرکت وجوه وجود ندارد (عتیقی، ۱۴۱۷ق، ۹۹؛ کامل، ۱۴۱۵ق، ۳۴۴).

استدلال فوق از دو جنبه قابل خدشه بوده و نمی‌توان آن را معیاری در راستای اعلام بطلان شرکت وجوه دانست، زیرا از یک سو مقصود اصلی عقد شرکت که کسب سود و تقسیم آن بین شرکا می‌باشد، در شرکت وجوه همانند شرکت عنان و اعمال وجود دارد و در عین حال در شرکت وجوه نسبت به آن چه خرید می‌شود و پیرامون سود حاصله، بین شرکا حالت اشاعه ایجاد می‌شود و این حالت اشاعه هم با مفاد ماده ۵۷۱ قانون مدنی که شرکت در معنای اعم را اجتماع حقوق مالکین در شیء واحد به نحو اشاعه می‌داند، قابلیت تطابق داشته و هم با تعریفی که قریب به اتفاق فقها از عقد شرکت ارائه نموده‌اند، لذا اختلاط و اشاعه که ماهیت اصلی هر عقد شرکتی است در شرکت وجوه نیز قابلیت تصور دارد (محقق حلی، ۱۴۲۵ق، ۳۸۶/۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰ق، ۵۲۳/۲). از سوی دیگر توجه به این نکته حائز اهمیت است که عالم حقوق، عالم اعتبار است و در این عالم، وجود اعتباری در حیطه قدرت و اراده انسان قرار دارد و خالق موجود اعتباری خود

انسان است و سنخ علوم اعتباری متفاوت از سنخ علوم حقیقی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴ ش، ۴۱)؛ بنابراین می‌توان تصور اختلاط و اشاعه در اعتبار را همانند اختلاط و اشاعه در اموال به رسمیت شناخت، زیرا منشأ و مبنای موضوع مورد بحث اعتبار محض یا صرف نبوده که ثبوت آن قائم به اعتبار و شخص معتبر باشد و به محض انقطاع اعتبار، آن اعتبارات نیز منقطع گردد، بلکه از نوع اعتبارات قصديه یا حقیقیه می‌باشد که در آن حدی از واقعیت نهفته است (اسماعیلی، ۱۳۹۵ ش، ۳۳)، چراکه در این زمینه مبانی فقهی و حقوقی وجود داشته و در عین حال مانند اختلاط و اشاعه در اموال، هیچ منع صریح قانونی یا روایی نسبت به امکان اختلاط و اشاعه در اعتبار وجود ندارد.

### تحلیل و مقارنه نظر موافقان صحت شرکت وجوه

اگرچه بسیاری از فقها و حقوقدانان شرکت وجوه را باطل می‌دانند، اما فقهای فراوانی در مذاهب مختلف اسلامی نیز وجود دارند که با ارائه دلایل مختلف در صدد اثبات این موضوع هستند که شرکت وجوه، شرکتی صحیح قلمداد می‌شود و افراد جامعه می‌توانند در روابط اقتصادی خویش از آن بهره‌مند شوند. این دسته از فقها که در تمام مذاهب مختلف اسلامی وجود دارند، برای اثبات صحت شرکت وجوه استدلالهای مختلفی ارائه نموده‌اند که در زیر ارزیابی و مقارنه می‌شود:

#### ۱. وجود اجماع سکوتی نسبت به صحت شرکت وجوه

همانند آنچه در مورد شرکت مفروضه و اعمال گفته شده است، یکی از استدلالهای مهم موافقان صحت شرکت وجوه، آن است که چه در زمان و مکان پیامبر ﷺ و چه در زمانها و مکانهای مختلف بعد از ایشان، با توجه به نیاز مردم به انعقاد شرکت وجوه، این شرکت در میان مردم رواج داشته و اکنون نیز رایج است، بدون آنکه جامعه و بسیاری از فقها منکر صحت این نوع از شرکت گردند، به طوری که می‌توان ادعا نمود نسبت به صحت این نوع از شرکت، اجماع سکوتی وجود دارد (عتیقی، ۱۴۱۷ ق، ۵۸؛ زحیلی، ۱۴۰۵ ق، ۸۰۰).

این استدلال قابل قبول به نظر نمی‌رسد و نمی‌توان تنها به استناد اجماع سکوتی اعتقاد به صحت شرکت وجوه داشت، زیرا از یک سو در دیدگاه تعداد زیادی از فقها، نه تنها درباره صحت شرکت وجوه، سکوتی وجود ندارد، بلکه بسیاری از فقها به صراحت شرکت

وجوه را باطل دانسته (طوسی، بی تا، ۳۴۷/۲؛ حسینی سیستانی، ۱۴۲۹ق، ۱۶۴/۲؛ رافعی قزوینی، ۱۴۲۶ق، ۱۹۳) و حتی بعضی از آنها نسبت به بطلان شرکت وجوه ادعای اجماع نموده‌اند (نجفی، ۱۹۸۱م، ۲۹۸/۲۶). بنابراین اجماع سکوتی در این مورد وجود ندارد. از سوی دیگر در دیدگاه فقهای امامیه، اجماع تنها در صورتی دارای اعتبار بوده و حجیت دارد که آن اجماع کاشف از قول معصوم علیه السلام باشد (طوسی، ۱۴۱۷ق، ۶۲۸/۲). در مورد صحت شرکت وجوه نیز چنین کاشفیتی از قول معصوم علیه السلام وجود ندارد، زیرا پایه و اساس اجماع سکوتی بر یقین نبوده، بلکه بر مبنای شک و تردید است، چراکه سکوت یک فقیه می‌تواند دلایل زیادی داشته باشد؛ از جمله تقیه، عدم توجه فقیه به آن موضوع، یا عدم احساس ضرورت بیان یک مبحث. از همین رو چون اجماع سکوتی نسبت به صحت شرکت وجوه تنها سبب ایجاد ظن و گمان می‌گردد و دلالتی بر قطع و یقین و کاشفیت از قول معصوم علیه السلام ندارد، قابلیت استناد نداشته و نمی‌توان برای آن حجیت قائل شد (ساعدی، ۱۳۸۴ش، ۱۶۰). در عین حال که سکوت یک فقیه درباره صحت یا عدم صحت شرکت وجوه، به خصوص وقتی اماره و قرینه‌ای در کنار آن نباشد، به هیچ وجه نفیاً یا اثباتاً دلالتی بر صحت شرکت وجوه ندارد، زیرا اصل بر عدم حجیت ظن می‌باشد و آنچه در اجماع نیازمند آن هستیم، اتفاق نظر صریح کاشف از قول معصوم علیه السلام می‌باشد (ناظمی پور، ۱۳۹۲ش، ۴۱) و با توجه به قاعده کلی «لَا يَنْسَبُ إِلَى سَاكِتٍ، قَوْلٌ» به معنای به فرد ساکت قولی نسبت داده نمی‌شود، چنین قطعیت و کاشفیتی از قول معصوم علیه السلام به واسطه اجماع سکوتی نسبت به صحت شرکت وجوه وجود ندارد.

## ۲. توجه اسلام به کسب روزی و تعاون

استدلال دیگر موافقین صحت شرکت وجوه که استدلال درستی می‌باشد، آن است که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام، سفارشهای زیادی پیرامون کسب روزی حلال و تلاش در این راستا شده است، به حدی که روایات و آیات زیادی نیز در این مورد مانند آیه ۲۹ سوره نساء یا آیه ۱۰ سوره جمعه وجود دارد، لذا در صورتی که شرکت وجوه را با توجه به گسترش و رواج آن در روابط اقتصادی مردم، باطل اعلام نماییم، با مفاد آیات فوق مخالفت ورزیده و به سفارش و تأکید دین اسلام مبنی بر تلاش برای کسب روزی حلال توجه ننموده‌ایم. در عین حال که تعاون و همکاری نیز در شرع مقدس اسلام بسیار تأکید

شده و شرکت وجوه می‌تواند یکی از مهم‌ترین مصداقها برای گسترش حس تعاون و همکاری در میان افراد جامعه باشد. در عین حال که افراد جامعه برای توسعه روابط اقتصادی خویش به خصوص در بازارهای مهمی مانند ارز و طلا به این نوع شرکت نیازمند هستند و بهره‌مندی از این شرکت برای پیشرفت و توسعه اقتصادی جامعه ضروری است (عتیقی، ۱۴۱۷ق، ۱۰۰). به عبارت دیگر نباید به علت نداشتن مال، مانع فعالیت افرادی گردید که در جامعه اقتصادی دارای اعتبار هستند و اما مالی ندارند، زیرا به وجود چنین افراد معتبری در جامعه تجاری نیازمند هستیم (خلیل، ۱۴۰۱ق، ۱۴۶).

### ۳. جاری بودن اصل صحت در شرکت وجوه

اگرچه بسیاری از فقها بر این اعتقادند که در صورت شک و تردید در صحت شرکت وجوه، اصل را بر صحت این نوع از شرکت می‌گذاریم، اما در مقابل، برخی از فقها بر این اعتقادند که شرکت وجوه شرکتی باطل و فاقد اثر به حساب می‌آید؛ زیرا با توجه به اصل اولی در معاملات که اصله الفساد می‌باشد، نمی‌توان اعتقاد به صحت شرکت وجوه داشت؛ چراکه اگر با توجه به دلایلی که مخالفین صحت شرکت وجوه اشاره کرده‌اند، در صحت شرکت وجوه شک نماییم، در این حالت باید اصله الفساد را جاری دانست و در این زمینه فرقی نمی‌کند که منشأ شک و تردید حاصله، وجود یا عدم وجود شرکت وجوه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد یا منشأ و مبنای شک را تردید در تأیید و امضای شارع در مورد صحت شرکت وجوه بدانیم (خلیلی، ۱۳۹۳ش، ۱۰۸)؛ چراکه در دیدگاه این دسته از فقها، صحت و ترتب اثر در مورد صحت شرکت وجوه امری توقیفی بوده و در نظر آنان در صورتی که متمایل به اعلام صحت شرکت وجوه باشیم، نیازمند تأیید و امضای صریح شارع هستیم (نراقی، ۱۴۲۲ق، ۱۳). از همین رو این دسته از فقها با توجه به عدم وجود دلیل قطعی در روایات یا احادیث درباره تأیید و امضای شرکت وجوه از طرف شارع، از آن جهت که در صحت شرکت وجوه شک می‌کنند، اصله الفساد را جاری نموده و حکم به بطلان شرکت وجوه می‌دهند و حتی در این زمینه ادعای اجماع نیز می‌نمایند (نجفی ۱۹۸۱م، ۲۶/۲۹۸).

استدلال فوق مبنی بر جاری بودن اصله الفساد در شرکت وجوه از چند جهت قابل خدشه جدی است و نتیجه این ایرادات، تأیید جاری شدن اصل صحت در قبال شرکت

وجوه، به عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل موافقان صحت و اعتبار شرکت وجوه است؛ چراکه از یک سو در اصل این موضوع که آیا اصل بر فساد است یا صحت، در میان فقهای مذاهب مختلف اسلامی اختلاف نظرات اساسی وجود دارد و به جز عده قلیلی از فقها که اصل را بر فساد می‌دانند، اکثر قریب به اتفاق فقها با توجه به عموم و اطلاق آیات و روایات فراوانی مانند آیه ۳۴ سوره اسراء: «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا: به عهد خود وفا کنید، که قطعاً از عهد و پیمان شما سؤال می‌شود» یا: «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» اصل را بر صحت می‌دانند، به طوری که حتی در این زمینه ادعای اجماع شده است. در دیدگاه این دسته از فقها پیرامون هر نوع معامله و قراردادی که شرکت وجوه یکی از مصادیق آن می‌باشد، در صورتی که درباره صحت یا عدم صحت آن شکی وجود داشته باشد، اصل بر صحت آن قرارداد و معامله است، مگر آنکه کسی که ادعای فساد می‌کند، دلیل قطعی بر فساد آن معامله بیاورد. کاربرد و مزایای استفاده از اصل صحت در مورد انواع قراردادها و معاملات آن قدر مسلم و مبرهن است که حتی برخی از فقهای معاصر اصل صحت را با عنوان اماره می‌شناسند و در مقام تعارض بین اصل و اماره، اماره صحت را بر هر اصل دیگری برتری می‌بخشند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ۲۰۴). سایه این اصل در ماده ۲۲۳ قانون مدنی به طور مستقیم و در بسیاری دیگر از مواد قانون مدنی از جمله ماده ۱۰ قانون مدنی به طور غیرمستقیم به چشم می‌خورد که این امر تأیید مجددی بر این موضوع است که اصل صحت در حقوق موضوعه ما به تبعیت از نظر قریب به اتفاق فقهای اسلامی پذیرفته شده است. بر اساس این ماده و مبانی غنی فقهی پشت سر آن، در مورد شرکت وجوه می‌توان به‌درستی این‌گونه ادعا نمود که اصل بر صحت این شرکت است، زیرا هیچ دلیل قطعی در روایات، آیات و قانون وجود ندارد که بر پایه آن بتوانیم به طور قطع، خلاف اصل صحت را در شرکت وجوه به اثبات رسانیم و بر اساس آن، اعتقاد به بطلان این شرکت پیدا کنیم. از سوی دیگر با توجه به گستردگی شرکت وجوه در معاملات میان مردم از جمله در بازارهای مهم ارز و طلا اعتقاد به بطلان این شرکت پرکاربرد، نه تنها به مصلحت جامعه نیست، بلکه اصل رفع عسر و حرج، سیره عقلای جامعه و عرف مسلم تجاری نیز بطلان شرکت وجوه را نمی‌پسندد؛ امری که رویه قضایی موجود در محاکم دادگستری نیز به‌درستی به آن تأکید داشته و آراء فراوانی وجود دارد که حاکی از استناد محاکم قضایی به اصل صحت نسبت به شرکت وجوه است، به طوری که در مورد

شرکت وجوه چه در باب شبهات حکمی و چه در باب شبهات موضوعی آن، رویه قضایی اصل صحت را در این نوع از شرکت جاری می‌داند (عرفانی، ۱۳۸۳، ش، ۷۶).

#### ۴. شباهت ماهیت اصلی شرکت وجوه با عقد وکالت و قرض

از دیگر دلایلی که بر اساس آن عده‌ای از فقها شرکت وجوه را شرکتی صحیح می‌دانند، آن است که این شرکت را با عقد قرض و وکالت مقایسه می‌کنند تا از این طریق بتوانند دلیلی بر صحت شرکت وجوه بیاورند، با این توضیح که شرکت وجوه از یک سو شباهت بسیار زیادی به عقد قرض دارد، به این ترتیب که در عقد قرض که از جمله عقود تملیکی محسوب می‌گردد (شهید ثانی، ۱۴۲۲ق، ۱۰۱)، ممکن است دو نفر با یکدیگر مالی را از دیگری قرض بگیرند، مال قرض‌گرفته‌شده را بفروشند یا با پولی که قرض گرفته‌اند مالی بخرند و در این خرید و فروش سود نموده و در سود ایجادشده با یکدیگر شریک باشند. از سوی دیگر شرکت وجوه در خود دارای ماهیت نیابت و وکالت است، چراکه هر یک از شرکای شرکت وجوه، به شریک دیگر نیابتی در خرید و فروش اعطا می‌نماید، به طوری که می‌توان این نظر را پذیرفت که تمام شرایط عقد وکالت از جمله شرایط تشکیل، آثار و احکام آن در شرکت وجوه نیز وجود دارد (رازی، ۱۴۲۸ق، ۱/۴۷۷؛ اصل، ۱۴۱۸ق، ۲۰۸). با توجه به موارد فوق مشخص می‌شود که ماهیت شرکت وجوه، عقد قرض و عقد وکالتی است که در مذاهب مختلف اسلامی هیچ فقیهی منکر صحت آنها نگردیده است، لذا چون در شرکت وجوه نیز شبیه آثار و احکام این عقود اتفاق می‌افتد و به عبارت دیگر خمیرمایه شرکت وجوه، عقد قرض و وکالت است و می‌توان نتیجه گرفت که شرکت وجوه از جمله شرکتهای صحیح به حساب می‌آید (خلیل، ۱۴۰۱ق، ۱۴۵؛ عتیقی، ۱۴۱۷ق، ۹۹). استدلالهای فوق قابل خدشه است، چراکه به صرف این دلیل که خمیرمایه شرکت وجوه شباهت زیادی به دو عقد مجاز شرعی وکالت و قرض دارد، نمی‌تواند دلیلی بر صحت شرکت وجوه محسوب شود (الهی برنی، ۱۴۱۱ق، ۲۸۰)، زیرا درست است که بسیاری از عقود در بعضی احکام و آثار خویش با یکدیگر شبیه هستند، اما به هر حال هر عقدی دارای ماهیت، آثار و احکام ویژه خود است و به صرف شباهت در بعضی آثار و احکام نمی‌توان همه آثار و احکام یک عقد یا صحت و عدم صحت آن را بر عقد دیگر بار نمود، زیرا این امر می‌تواند نتایج نامعقولی به همراه داشته باشد. به عنوان مثال ماهیت شرکت

مفاوضه با عقد وکالت بسیار شبیه است و اگر بخواهیم به صرف این تشابه، شرکت مفوضه را نیز از جمله شرکتهای صحیح بدانیم، نتیجه‌ای حاصل نموده‌ایم که اکثر قریب به اتفاق فقهای مذاهب مختلف اسلامی با آن موافق نیستند، زیرا درباره شرکت مفوضه نظر غالب و مشهور بطلان این شرکت است (ابن‌قدامه، ۱۴۱۷ق، ۱۳۷/۷؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۴ق، ۵۱۵/۸؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰ق، ۵۲۳/۲؛ حکیم، ۱۴۰۴ق، ۲۲/۱۳).

### شرکت وجوه در دکترین حقوقی

عده محدودی از حقوقدانان اعتقاد بر آن دارند که از میان شرکتهای چهارگانه فقهی تنها شرکت عنان صحیح می‌باشد و اشخاصی که دارای سرمایه لازم نبوده، اما در جامعه دارای اعتبار هستند نمی‌توانند اعتبار و حیثیت خود را به عنوان آورده به شرکت بیآورند و به این ترتیب شرکت وجوه اعتبار قانونی نداشته و نتیجه این امر آن است که سود و ضرر حاصله در نتیجه شرکت وجوه بین شرکا مشترک نیست و نتیجه عمل شرکا، انفرادی بوده و سود و ضرر متوجه شخص می‌شود، نه شرکت منعقدشده (حائری شهاباغ، ۱۳۷۶ش، ۵۲۲/۱).

در مقابل با توجه به نیاز جامعه به استفاده از شرکت وجوه، حقوقدانان در دکترین حقوقی بیشتر به صحت شرکت وجوه اعتقاد دارند، اما با این وصف تا حدی نیز اختلاف نظرات فقهای مذاهب مختلف اسلامی نسبت به صحت یا عدم صحت شرکت وجوه به دکترین حقوقی نیز راه یافته است. برخی از حقوقدانان با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی، بر این اعتقادند که در شرکت وجوه، به آنچه باید بیش از هر چیز اهمیت داد، اراده طرفین قرارداد است؛ چراکه عامل اصلی در ایجاد اعمال حقوقی، اراده انشائی طرفین است، مگر اینکه به صراحت در قانون چنین اراده‌ای محدود شده باشد، از این رو چون چنین محدودیتی در مورد شرکت وجوه در قانون وجود ندارد، می‌توان نتیجه گرفت که نظر قانون مدنی با توجه به عرف که پایه و اساس معاملات می‌باشد، آن است که به وسیله ماده ۱۰ قانون مدنی می‌توان شرکت وجوه را نافذ قلمداد نمود (بروجردی عبده، ۱۳۸۰ش، ۳۲۸؛ گودرزی، ۱۳۹۴ش، ۹۸). در کنار دیدگاه فوق که دیدگاه درستی به نظر می‌رسد، عده‌ای از حقوقدانان اگرچه تمایل به پذیرش شرکت وجوه داشته و بر این اعتقادند که این شرکت با اصول مدنی و متون مذهبی مغایرت ندارد و شرکت وجوه مورد نیاز جامعه و عمل به متعارف میان مردم است، اما بر این اعتقادند که با توجه به اصل چهارم قانون



اساسی، در پذیرش شرکت وجوه در سیستم حقوقی کشور باید احتیاط پیشه کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۵ش، ۳۱۲). در کنار دیدگاههای فوق، برخی دیگر از حقوقدانان نیز رویه-ای دیگر در پیش گرفته و اما به همین نتیجه رسیده‌اند، به این نحو که در کنار اعتقاد خویش به بطلان شرکت وجوه بر این نظر هستند که با عقد صلح می‌توان به همان نتیجه شرکت وجوه رسید تا به این ترتیب مقتضیات روز و نیاز جامعه به این شرکت نیز پاسخ داده شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۹ش، ۸۸۲). امری که در فقه اسلامی با عنوان حيله‌های شرکت وجوه معروف بوده و در برخی فقهای به روز و آگاه از مقتضیات جامعه، نیاز به این موضوع احساس گردید که با توجه به بطلان شرکت وجوه در دید برخی از فقها، شیوه-هایی ارائه شود تا مردم بتوانند با توجه به عقود مشخص و مجاز اسلامی، به همان نتیجه شرکت وجوه برسند، تا از یک سو نیازهای مردم جامعه به چنین مواردی رفع گردد و از سوی دیگر محذورات شرعی رعایت شود. مهم‌ترین روش برای آن دسته از فقها و حقوقدانانی که نیاز جامعه را به شرکت وجوه احساس می‌کنند و از سوی دیگر به بطلان این شرکت اعتقاد دارند، استفاده از عقد صلح یا اعطای وکالت از سوی هر یک از شرکا به شریک دیگر است (خمینی، ۱۳۷۴ش، ۶۲۴/۱؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۴ق، ۵/۵۱۶).

### نتیجه

اگرچه به شرح مذکور در مقاله، درباره تعریف و صحت یا عدم صحت شرکت وجوه بین فقهای مذاهب مختلف اسلامی اختلاف نظر وجود دارد، اما در این مقاله با بررسی و مقارنه نظر فقهای مذاهب مختلف اسلامی و با تأکید بر پاسخهای حلی و نقضی که به دلایل مخالفان و موافقان صحت شرکت وجوه داده شد، این نتیجه حاصل شد که شرکت وجوه شرکتی صحیح تلقی می‌شود و مردم می‌توانند در روابط اقتصادی خود از آن بهره‌مند گردند، چراکه علی‌رغم خدشه‌هایی که بر برخی استدلالهای موافقان و مخالفان صحت شرکت وجوه وارد بود، اما در کل نظر فقها و حقوقدانانی که تمایل به صحت شرکت وجوه دارند با شرایط اقتصادی جامعه سازگارتر است. جدای از امکان استفاده از اصل صحت، غرر موجود در شرکت وجوه قابل مسامحه است، چراکه در این نوع از شرکت، جهل شرکا قابل رفع است و شرکا نسبت به موضوع شرکت وجوه کاملاً جاهل نیستند تا بتوان شرکت منعقدشده را به دلیل غرری بودن باطل دانست، بلکه در این نوع شرکت هر یک از شرکا

به طور اجمالی و گاهی هم به طور تفصیلی از آنچه خریده و فروخته می‌شود اطلاع داشته یا می‌توانند مطلع شوند و غرری وجود ندارد و یا اگر غرری هست، این غرر جزئی و قابل مسامحه می‌باشد. از سوی دیگر ادعای اجماع مبنی بر بطلان شرکت وجوه نیز صحیح به نظر نمی‌رسد، با این استدلال که در دیدگاه فقهای امامیه، اجماع در صورتی معتبر است که کاشف از قول معصوم علیه السلام باشد که در مبحث شرکت وجوه چنین حالتی وجود ندارد و بنابراین نمی‌توان ادعای اجماع نمود. از سوی دیگر آنچه در شرع مقدس اسلام اهمیت دارد، تأکید بر تعاون و همکاری و وجوب وفای به عهد است، از همین رو جز در مواردی که به صراحت توافق اراده‌ها منع شده است، در بقیه موارد احترام به اراده طرفین قرارداد و وجوب وفای به عهد وجود دارد. در عین حال که افراد جامعه برای توسعه روابط اقتصادی خویش به این نوع شرکت نیازمند هستند و وجود آن برای پیشرفت و توسعه اقتصادی جامعه ضروری است. به عبارت دیگر در شرکت وجوه، به آنچه باید بیش از هر چیز اهمیت داد، اراده طرفین قرارداد است، چراکه عامل اصلی در ایجاد اعمال حقوقی، اراده انشائی طرفین قرارداد است، مگر اینکه به صراحت در قانون و شرع چنین اراده‌ای منع شده باشد، از این رو چون در قانون چنین منع قطعی در مورد صحت شرکت وجوه وجود ندارد، می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به عرف که پایه و اساس معاملات است، نظر قانون مدنی به تبعیت از برخی فقها، صحت و نفوذ شرکت وجوه است، امری که دکترین حقوقی و رویه قضایی نیز به آن بسیار متمایل است و از همین رو بهتر است در اصلاحات آتی قانون مدنی نیز به این سکوت پایان داده شود و با تصویب ماده‌ای قانونی، صحت شرکت وجوه به صراحت پذیرفته شود.

## فهرست منابع

- قرآن کریم.
- آل نجف، عبدالکریم، *دروس فی الفقه الاستدلالی* (۳)، قم، مرکز المصطفی العالمیه، ۱۴۳۲ق.
- ابن زهره حلبی، حمزة بن علی، *غنیة النزوع الی علمی الأصول و الفروع*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۵ش.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، *المغنی*، ریاض، عالم الکتب، ۱۴۱۷ق.
- اسماعیلی، محسن؛ مهاجرانی، علی، «ماهیت و الگوی تعریف در ماهیت حقوقی»، *مجله پژوهشنامه حقوق اسلامی*، شماره ۴۳، ۱۳۹۵ش.
- الهی برنی، محمدعاشق، *التسهیل الضروري لمسائل القدروری*، کراچی، مکتبه الشیخ، ۱۴۱۱ق.
- ایروانی، باقر، *دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری*، قم، مؤسسه الفقه، ۱۴۲۰ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ق.
- بروجردی عبده، محمد، *حقوق مدنی*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۰ش.
- بیهقی کیدری، محمد بن حسین، *اصباح الشیعة بمصباح الشریعة*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۴ش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *الفارق: دائرة المعارف عمومی حقوق*، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۱ش.
- همو، *فن استدلال: منطق حقوق اسلام*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴ش.
- همو، *مجموعه محشی قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی)*، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۹ش.
- جناتی، محمدابراهیم، «اجماع، سومین منبع اجتهاد»، *مجله کیهان اندیشه*، شماره ۲۰، ۱۳۶۷ش.
- حائری شاه باغ، سید علی، *شرح قانون مدنی*، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶ش.
- حسینی سیستانی، سید علی، *منهاج الصالحین*، بیروت، دارالمؤرخ العربی، ۱۴۲۹ق.
- حکیم، سید محسن، *مستمسک العروة الوثقی*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- خلیل، رشادحسن، *الشركات فی الفقه الإسلامی دراسة مقارنة*، بی جا، دارالرشید، ۱۴۰۱ق.
- خلیلی، محمدنادر، «اصل صحت در معاملات»، *مجله فقه اقتصاد*، شماره ۲، ۱۳۹۳ش.
- خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیلة*، قم، دارالعلم، ۱۳۷۴ش.
- رازی، علی بن مکی، *خلاصة الدلائل فی تنقیح المسائل*، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۲۸ق.

- رافعی قزوینی، عبدالکریم بن محمد، *المحرر فی فقه الإمام الشافعی*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
- ریمی، محمد بن عبدالله، *المعانی البدیعة فی معرفة اختلاف اهل الشریعة*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
- زحیلی، وهبه، *الفقه الإسلامی و ادلته*، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۵ق.
- ساعدی، جعفر، «اجماع در اندیشه شیعی»، *مجله فقه اهل بیت*، شماره ۴۲، ۱۳۸۴ش.
- سبحانی، جعفر، «شرکت اعمال در فقه اسلامی»، *مجله فقه اهل بیت*، شماره ۵۸ و ۵۹، ۱۳۸۸ش.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، مرکز عالی للعلوم و الثقافة الإسلامیة، ۱۴۳۴ق.
- همو، حاشیة المختصر النافع، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۲ق.
- طباطبایی قمی، سید تقی، *الدلائل فی شرح منتخب المسائل*، قم، کتابفروشی محلاتی، ۱۴۲۴ق.
- طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، *العروة الوثقی*، بیروت، دار الإسلامیة، ۱۴۱۰ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *العدة فی اصول الفقه*، قم، بعثت، ۱۴۱۷ق.
- همو، المبسوط فی فقه الإمامیة، بیروت، دارالکتاب الإسلامی، بی تا.
- عبده، عیسی، *العقود الشرعیة الحاكمة للمعاملات المالیه المعاصرة*، قاهره، مکتبة الإقتصاد الإسلامی، ۱۳۹۶ق.
- عتیقی، محمد عبیدالله، *عقود الشركات، دراسة فقهیة مقارنته مع موجز فی القانون الكويتی*، کویت، مکتبة ابن کثیر، ۱۴۱۷ق.
- عرفانی، توفیق، «اصالة الصحة یا اصل صحت قراردادها در حقوق ایران»، *مجله کانون*، شماره ۵۳، ۱۳۸۳ش.
- غزالی، محمد بن محمد، *الوجیز فی فقه الإمام الشافعی*، بیروت، دارالأرقم بن ابی الأرقم، ۱۴۱۸ق.
- فقی، محمدعلی عثمان، *فقه المعاملات، دراسة مقارنته*، ریاض، دارالمریخ، ۱۴۰۶ق.
- کاتوزیان، ناصر، *دوره مقدماتی حقوق مدنی: درسهای از عقود معین*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۵ش.
- کامل، موسی، *احکام المعاملات*، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۵ق.
- گودرزی، سیاوش؛ علمی سولا، محمدرضا، «بازخوانی فقهی حقوقی شرکتهای اعمال، مفاوضه و وجوه»، *مجله آموزه‌های فقه مدنی*، شماره ۱۲، ۱۳۹۴ش.

- محقق حلی، جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت، دارالقاری، ۱۴۲۵ق.
- محقق داماد، مصطفی؛ عبدی پور فرد، ابراهیم؛ قنواتی، جلیل؛ وحدتی شبیری، حسن، *حقوق قراردادها در فقه امامیه، توافق اراده‌ها، شرایط متعاقدان و مورد معامله*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ سمت، ۱۳۸۹ش.
- محمدی، ابوالحسن، «اجماع»، *مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۱۰ و ۱۱، ۱۳۵۱ش.
- مروارید، علی اصغر، *سلسله الینابیع الفقہیة*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة؛ الدار الإسلامیة، ۱۴۱۰ق.
- مطیعی، محمدنجیب، *التکملة الثانية*، در: نووی، یحیی بن شرف، *المجموع شرح المہذب*، مدینہ، المكتبة السلفية، بی تا.
- مفید، محمد بن محمد، *المقتعة*، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، *دائرة المعارف فقه مقارن*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ق.
- ناظمی پول، صابر، «سکوت»، *مجله کانون*، شماره ۵۲، ۱۳۹۲ش.
- نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
- نراقی، محمد بن احمد، *مشارق الأحکام*، قم، کنگره بزرگداشت ملامهدی نراقی و ملااحمد نراقی، ۱۴۲۲ق.
- نکونام، محمدرضا، *تحریر التحریر*، قم، ظهور شفق، ۱۳۸۵ش.
- واصل، نصر فرید محمد، *فقه المعاملات المدنیة و التجاریة فی الشریعة الإسلامیة*، دمشق، المكتبة التوفیقیة، ۱۴۱۸ق.